

فیل زنده

یادتونه...؟ آذرماه
امسال خبر رسید
هنری کیسینجر هم
چندستان نشودولی
خوراک مار و مور شد.
حالا کی بود این یارو؟



محمد علی النجافی

هاینتس آلفرد کیسینجر که البته دوستانش «هنری چقدر بی هنری» صدایش می کردند در ۲۶ مه (شوخی کردم ۲۷ بود) ۱۹۳۳ در شهر فورت آلمان در یک خانواده یهودی، به دنیا آمد.

در سال ۱۹۳۸ قبل از شروع بگیربگیرهای هیتلر به همراه خانواده اش از آلمان گریختند و با گفتن: «آخ! چقدر شرعیه. رکابی مون چسبید به تمنون» در نیویورک جاگیر شدند. او در آنجا تحصیلات خود را ادامه داد تا اینکه برای شرکت در جنگ جهانی دوم با گفتن «آه... احتمالا جنگ به کش تنبومون گیر کرده. شانسم نداریم! دریا هم می ریم باید با خودمون آفتابه ببریم» (البته از آنجایی که آن‌ها آفتابه ندارند، احتمالا مترجم حلال خوری نکرده و غلط ترجمه کرده!) تحصیلاتش را ول کرد و به ارتش ملحق شد. از آنجایی که به زبان آلمانی مسلط بود و خوب آخ واخ شاخ ماخ می کرد، در حالی که فقط یک سرباز ساده و موهایش را با شماره چهار زده بود و همه در خیابان با انگشت نشانش می دادند و می گفتند «هه... هه... اون آتش خوره رو» مسئول اداره شهر کرفلد در آلمان شد.

پس از پایان جنگ و بازگشت به آمریکا باتوجه به اینکه خود را پیروز می دانست باد به غیغ می انداخت و یک کتی راه می رفت. سپس در دانشگاه هاروارد تحصیل در رشته علوم سیاسی را شروع کرد و در کنارش سیاست را هم ادامه داد.

در نهایت علاقه اش به سیاست خارجی باعث شد به عنوان دستیار راکفلر انتخاب شود. پس از پیروزی ریچارد نیکسون در انتخابات سال ۱۹۶۸، پست مشاور امنیت ملی را با خوشحالی و زدن بشکن و گفتن «حالا یه تکون... حالا دو تکون...» پذیرفت.

سپس در کنار تکان هایش به عنوان وزیر امور خارجه هم مشغول به کار شد. نیکسون به توصیه هایش اعتماد داشت.

مثلا اگر می گفت: «برو به عمو مائو سلام کن» نیکسون نمی گفت: «نوموخوام!» و سریع آن کار را انجام می داد. از همین روی واسطه دیدار نیکسون با مائو تسه تونگ (هیچ ربطی به تسه و جومونگ، مخصوصا سوسانو ندارد ها!) رهبر چین شد. به همین علت به معمار بهبود روابط آمریکا و چین شناخته می شود و از آن تاریخ اگر از کسی بپرسند: «این رابطه رو کی ساخته؟» همه جواب می دهند: «اوستا کیسینجر ساخته با چوب کاکتوس ساخته...»

از اقدامات دیگرش می توان به تنش زدایی با شوروی، پایان دادن به جنگ یوم کیپور، حمایت از پینوشه با گفتن «حله» در کودتای شیلی، چراغ سبز نشان دادن به نظامیان آرژانتینی با زدن یک چشمک برای جنگ کثیف و حمایت آمریکا از پاکستان در جریان جنگ استقلال بنگلادش با گفتن «برو ما پشتت هستیم» و خیلی چیزهای دیگر اشاره کرد؛ ولی در میان ایرانیان به علت حمایتش از محمدرضا پهلوی (همان شاه)، شهرت دارد. او به شدت خواستار حفظ حکومت شاه بود و برای تبدیل ایران به ژاندارم منطقه یا همان سگ پاچه گیر، تلاش های بسیاری کرد. همچنین خود او بود که پس از فرار شاه و زمانی که هیچ کشوری گردنش نمی گرفت و ول و ویلون مانده بود، پیش کارتر رفت و برای پادرمیانی گفت: «این بدبخت فلک زده رو به دو صباح بذار بیاد اینجا». پس از انقلاب هم بسیار زحمت کشید تا ایران رنگ آسایش نبیند (ان شالله تو جهنم با میل و سرب جبران زحمت می شود!) و از جمله کسانی بود که همواره در تاکسی می گفت: «این ها رفتنی ان. من خودم آشنا دارم. دیگه ۲۲ بهمن سال دیگه رو نمی بینن.»

در نهایت پس از یک قرن زندگی، یعنی ۱۰۰ سال (اووه! چه خبره؟) جان کندن و نمردن، بروس ویلیس لقب جان سخت را به وی اهدا کرد و گفت: «تا وقتی استاد هست، من کچل، سگ کی باشم!» در ۲۹ نوامبر ۲۰۲۳ به علت تمام شدن، مرد. و نبود که ببیند به کوری چشم همه دشمنان ۲۲ بهمن دیگری را با شور و اشتیاق گذرانندیم. به امید ۲۲ بهمن های دیگر برای ایران عزیز.

یادتونه...؟ مهرماه امسال با
خبر عملیات طوفان الاقصی
توسط حماس و بی آبرو
شدن اسرائیل میخکوب
شدیم و ته دلمان کمی
احساس خنکی کردیم.



سیده نرگس هاشمی

صهیون کاغذی

عسقلان، اشدود یا حیفا چه فرقی می کند؟
دزد پایین شهر و آن بالا، چه فرقی می کند؟

اول و آخر خودت می سوزی صهیون کاغذی!
در جهنم یا که در دنیا، چه فرقی می کند؟

گنبدت پهلو زده بر وهم آمریکایی اش
لاف تو با گاف بایدن ها چه فرقی می کند؟

صهیونی با دوستش می گفت: می ترسم ز مرگ
گفت: مرگ و ترس ما، حالا چه فرقی می کند؟

ناگهان سوت بلبلی زد موشک قسام و گفت:
موشه، شمعون، آریل و هانا، چه فرقی می کند؟

چاه دنیا راهش از شر شما مسدود شد
باز شد، به به هوا اینجا چه فرقی می کند!

بعد طوفان الاقصی گردتان رفته هوا
بعد آن با قبل آن بعله که فرقی می کند...



علی لادن
کاریم کاریمزاده